

وزارت و دیوان سالاری
ایرانی در عصر اسلامی



دکتر سید صادق سجادی



مجموعه انتشارات
ادبی و تاریخی
موقوفات دکتر محمود افشار

[۷۴]

گنجینه اسناد و تاریخ ایران



هیئت گزینش کتاب و جایزه

دکتر سید مصطفی محقق داماد - دکتر محمد رضا شفیعی کدکنی - دکتر زاله آموزگار - دکتر جلال خالقی مطلق
دکتر حسن انوری - دکتر فتح الله مجتبابی - دکتر محمود امیدسالار - کاوه بیات
دکتر محمد افشین وفايي (مدیر انتشارات)

درگذشتگان

ایرج افشار - دکتر سید جعفر شهیدی - دکتر جواد شیخ الاسلامی - دکتر اصغر مهدوی - دکتر یحیی مهدوی



وزارت و دیوان سالاری ایرانی در عصر اسلامی



تألیف دکتر سید صادق سجادی

کاوه حسن بیگلر

زینب نورپور جویباری

کوثر

آزاده

حقیقت

۱۶۵۰ نسخه

بهار ۱۳۹۹

گرافيست، طراح و مجری جلد

حروفچینی و صفحه‌آرایی

لیتوگرافی

چاپ متن

صحافی

تیراژ

چاپ اول

ناشر

انتشارات دکتر محمود افشار

خیابان ولی عصر، بالاتر از چهارراه پارک وی، خیابان عارف‌نسب، کوی لادن، شماره ۶

تلفن: ۲۲۷۱۷۱۱۴ دورنما: ۲۲۷۱۷۱۱۵

با همکاری انتشارات سخن

خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه، خیابان وحید نظری، پلاک ۴۸

تلفن: ۵-۴۶۹۵۳۸۰۴ دورنما: ۶۶۴۰۵۰۶۲

تلفن تماس برای تحویل کتاب در تهران و شهرستان‌ها

۵-۴۶۹۵۳۸۰۴



شورای تولیت

متولیان مقامی

رئیس مجلس - رئیس دیوان عالی کشور - وزیر فرهنگ (وزیر آموزش و پرورش)
وزیر بهداشت و درمان و آموزش پزشکی - رئیس دانشگاه تهران (یا معاونان اول هر یک از این پنج مقام) (طبق ماده ۲ و قننامه)

متولیان منصوص و منسوب

دکتر سید مصطفی محقق داماد (رئیس شورا) - دکتر محمد رضا شفیعی کدکنی (جانشین: دکتر محمد اسلامی - بازرس)
سید محمود دعایی - دکتر احمد میر - ساسان دکتر افشار - آرش افشار (بازرس)

هیئت مدیره (منتخب شورای تولیت)

دکتر سید مصطفی محقق داماد (رئیس هیأت مدیره) - ابراهیم ابراهیمی (نایب رئیس هیئت مدیره، معاون قضائی دیوان عالی کشور)
دکتر محمد افشین وفايي (مدیر عامل) - معصومه پاکراد (خزانه دار)



درگذشتگان

دکتر مهدی آذر - حبیب الله آموزگار - دکتر جمشید آموزگار
ایرج افشار، سرپرست عالی و بازرس (منصوب واقف، از ۱۳۶۳-۱۳۸۹) - مهربانو دکتر افشار - مهندس نادر افشار
بهرز افشار یزدی - دکتر سید جعفر شهیدی، رئیس هیأت مدیره (از ۱۳۶۳ تا ۱۳۸۳) - دکتر جواد شیخ الاسلامی - اللهیار صالح
دکتر متوجهر مرتضوی - دکتر اصغر مهدوی - دکتر یحیی مهدوی - دکتر علی محمد میر - دکتر محمد علی هدایتی

یادداشت واقف

اول

طبق ماده ۲۳ وقفنامه اول مورخ یازدهم دی ماه ۱۳۳۷ ه. ش. درآمد باید صرف ترجمه و تألیف و چاپ کتب و رسالات که با هدف این موقوفات موافق باشد و همچنین کمک به مجله آینده در صورت احتیاج و احتمالاً دادن جوایز به نویسندگان به شرح دستور این وقفنامه گردد.

دوم

هدف اساسی این بنیاد ملی طبق ماده ۲۵ وقفنامه تعمیم زبان فارسی و تحکیم وحدت ملی در ایران می باشد. بنابراین کتبی که با بودجه این موقوفات منتشر می شود باید مربوط به لغت و دستور و ادبیات فارسی و جغرافیای تاریخی و تاریخ ایران باشد. کتب کلاسیکی مدارس عمومی نباید با درآمد این موقوفات چاپ شود.

سوم

طبق ماده ۲۶ مقداری از کتب و رسالات چاپ شده با بودجه این موقوفات باید به طور هدیه و به نام این موقوفات به مؤسسات فرهنگی، کتابخانه ها و قرائتخانه های عمومی ایران و خارج و بعضی از دانشمندان ایران و مستشرقین خارجی فرستاده شود.

چهارم

چون نظر بازرگانی در انتشارات این موقوفات نیست و تا حدی تحمل زیان هم جایز است طبق ماده ۲۷ وقفنامه هیچ کتاب و رساله نباید کمتر از قیمت تمام شده و همچنین مبلغی زائد از بهای تمام شده با افزایش صدی ده تا بیست و پنج قیمت گذاری شود... این افزایش ۲۵ درصد به واسطه حداقل حق الزحمه فروشندگان و هزینه ای است که برای پست و غیره تحمیل می شود. از کتابفروشان تقاضا داریم که در این امر خیر ملی که ابداً جنبه تجارتي ندارد با ما یاری و تشریک مساعی بنمایند.

پنجم

بر اساس موافقت‌نامه دوم (مورخ ۱۳۵۲/۴/۱۲) که میان واقف و دانشگاه طهران به امضاء رسیده، قسمتهای مهمی از رقبات، مانند جایگاه سازمان لغت‌نامه دهخدا و محل مؤسسه باستان‌شناسی به‌طور رایگان به دانشگاه طهران واگذار شده و رقبات دیگری هم با درآمد آنها طبق ماده دوم برای اجرای مفاد وقف‌نامه که از جمله عبارت از دادن جوایز ادبی و نشر کتب تاریخی و لغوی راجع به ایران (به استثنای کتب درسی) می‌باشد در اختیار دانشگاه طهران قرار می‌گیرد که وصول نموده و به نام این موقوفات اعطا و نشر گردد.

ششم

چون طبق ماده ۳ موافقت‌نامه نامبرده مقرر شده است که از طرف ریاست دانشگاه یک نفر از متولیان این موقوفات که از طرف واقف به عضویت کمیته انتشارات بنیاد معین شده باشد برای سرپرستی اداره امور جوایز و نشر کتاب انتخاب شود ریاست دانشگاه آقای ایرج افشار را که از متولیان شورای تولیت است و از طرف واقف نیز به عضویت کمیته نامبرده معین شده به سمت سرپرست انتخاب و برقرار نمودند.

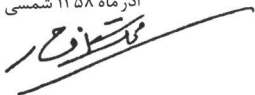
هفتم

چون نگارنده این سطور به واسطه کبر سن (۸۶ سال شمسی) از این پس نخواهم توانست به سرپرستی این کارها بپردازم، از این پس تمام اختیارات خود را در انتخاب تألیف و ترجمه و خرید کتب و غیره به فرزند ارشد خود ایرج افشار واگذار کردم. در این چند سال اخیر هم که ده جلد از تألیفات خودم از طرف موقوفات به طبع رسیده با کوشش و سرپرستی وی بوده است. کسانی که مایل به همکاری در تألیف یا ترجمه و نشر کتاب هستند می‌توانند به او مراجعه کنند. تنها شرط کار موافق بودن تألیف و ترجمه با هدف‌های این بنیاد، یعنی ترقی ملت و کشور و تعمیم زبان فارسی و تکمیل وحدت ملی در ایران که وطن مشترک و زبان رسمی و ملی همه ایرانیان است می‌باشد.

هشتم

این یادداشت کلی برای چاپ در آغاز هر یک از نشریات این بنیاد نوشته شده است.

دکتر محمود افشاریزدی
آذر ماه ۱۳۵۸ شمسی



تکمله سوم

کتبی که با بودجهٔ این موقوفات طبع و توزیع می‌شود باید کاملاً منطبق با نیت واقف و هدف وقفنامه باشد. اگر همهٔ تألیفات و مجموعه‌هایی که به قلم واقف منتشر شده و یا می‌شود صد درصد این مطابقت را ندارد به سبب این است که واقف قصد چاپ آنها را با مال خود داشت، ولی زمانی که دارایی خود را وقف عام مخصوصاً برای انتشارات کتب تاریخی و ادبی نمود چاپ کتب خود را هم که دارای همین جنبه‌هاست به عهدهٔ بنیاد واگذار کرد.

اما این مجوز آن نیست که تألیفات دیگر را هم از هر نوع که باشد و برسد چاپ نماید. کتب نظم و نثری از گذشتگان یا آیندگان با بودجهٔ آن چاپ خواهد شد که هدف غایی واقف را که ترویج زبان دری و تحکیم وحدت ملی ایران است در برداشته، کتبی که بویی از ناحیه‌گرایی و جدایی‌طلبی و حکایت از رواج زبان‌های خارجی به قصد تضعیف زبان دری و دیگر چیزهای تفرقه‌آمیز و روش‌ها و سیاست‌های فتنه‌انگیز داشته باشد نباید با بودجهٔ این موقوفات طبع و توزیع شود.

نکتهٔ دیگر آنکه چون شاید برای چاپ کتب و فرهنگ‌نامهٔ فارسی که دایره مانند یعنی انسیکلوپدی باشد و تاریخ کامل ایران که اوراق زیاد و هزینهٔ بیشتر دارد، درآمد ماهیانهٔ بنیاد کفاف خرج آنها را ندهد می‌توان با اندوختهٔ بانکی این موقوفات چاپ نمود، به شرط آن که اجازهٔ واقف در زمان حیات و موافقت شورای تولید بعد از ممات یا هرکس و دستگاهی که قانوناً قائم مقام آنهاست باشد.

در تکملهٔ دوم یادداشت واقف، منتشره در جلد سوم افغان‌نامه نگاشتم که کتب و رسالاتی که با بودجهٔ این موقوفات چاپ می‌شود باید منزه باشد از تحریکات سیاسی، مخصوصاً آلوده نباشد به اغراض سیاسی خارجی در لفافهٔ پژوهش تاریخی و ادبی ایران‌شناسی... و در پایان آن تکمله افزودم بیم داشتم که مبادا چنین رسالاتی سال‌ها بعد از ما نخواست و ندانسته، به وسیلهٔ این بنیاد چاپ شود. پس لازم بود که در این یادداشت تذکری داده شود... عمدهٔ مخاطب این یادآوری‌ها بنیاد موقوفات خود ماست نه مؤسسات انتشاراتی دیگر که هر یک روش خاص خود را دارد و ما دخالتی در کار آنها نداریم.

تا زمانی که نویسندهٔ این سطور متولی هشتم و فرزند دانشمند من، ایرج افشار که به رموز نویسندگی کاملاً آگاه می‌باشد سرپرست انتشارات این بنیاد است، موجبی برای نگرانی نخواهد بود و بعد از ما هم امید است که این روش ادامه یابد. ان شاء الله

تکمله و تبصره

یادداشت واقف چند روز پیش از درگذشت (۲۸ آذر ۱۳۶۲) برای اطلاع نویسندگان. کتب نظم و نثری از گذشتگان یا آیندگان که با سرمایه و درآمد این بنیاد چاپ و توزیع می‌شود باید منطبق با نیت واقف و هدف وقفنامه باشد و مروج زبان دری در قلمرو این زبان و تحکیم وحدت ملی و تمامیت کشور ایران باشد و بویی از ناحیه‌گرایی و جدایی‌طلبی ندهد، و حمایت و ترویج از لهجه‌های محلی و زبان‌های خارجی به قصد تضعیف زبان فارسی دری نکند. خلاصه آنکه این کتاب‌ها و رسالات باید منزّه باشد از روش‌های تفرقه‌آمیز و سیاست‌های فتنه‌انگیز، چه به‌طور مرموز و چه علنی مخصوصاً نباید آلوده باشد به اغراض سیاسی خارجی در لفاظیه پژوهش تاریخی، نژادی یا ادبی و فرهنگی و ایران‌شناسی.

کتب تاریخی و ادبی عالمانه خارجی که از عربی و ترکی و فرنگی و روسی به فارسی ترجمه می‌شود اگر دارای هر دو جنبه از سود و زبان باشد باید قسمت سودمند آنها ترجمه شود. قسمت زبان بخش اگر ترجمه شود باید به قصد مبارزه و مقابله عالمانه با آن باشد نه جاهلانه، زیرا گفته‌ی منطقی ممکن است مؤثر باشد، نه شانناژ و هوچی‌گری. این بنیاد در انتشارات خود باید در هر حال از دروغ و ناسزا پرهیز کند. به گفته‌ی نظامی گنجوی:

چون نتوان راستی را درج کردن دروغی را نباید خرج کردن

برای چاپ و انتشار کتب و رسالات نه تنها هزینه و حق‌الزحمه نمی‌خواهیم، بلکه به سبب اهمیت فوق‌العاده سودمند بودن کتاب، جایزه نیز می‌پردازیم. این بنیاد در چاپ و انتشار کتاب‌های خود به‌طور مسلم ضرر مادی دارد، زیرا کمتر از ارزش تمام شدن از کاغذ و چاپ و غیره از راه فروش درآمد دارد. شاید بعضی تصور کنند که کار ما شبیه به معامله‌ی مرحوم ملانصرالدین باشد که تخم مرغ می‌خرد دانه‌ای دو شاهی، می‌پخت و رنگ می‌کرد و می‌فروخت یک شاهی! عقیده‌ی ما بر این است که اگر در این سود، ضرر مادی و مالی می‌کنیم سود معنوی که منظور ماست می‌بریم، و آن اینکه عقیده‌ی خود را که ترویج زبان دری و تحکیم وحدت ملی و تمامیت ارضی ایران است رواج می‌دهیم. این زبان را به حساب مصارف وقف در راه ایده‌آل و هدف ملی خود محسوب می‌داریم. برای اطلاعات و توضیحات بیشتر لطفاً به تکمله‌ی منتشرشده در ابتدای کتاب‌های این بنیاد که اضافات و تفاوت‌هایی با هم دارد توجه فرمایید.



فهرست مطالب

پیشگفتار.....	۱۷
دیوانها، مناصب، اصطلاحات.....	۱۹
ایرانیان از دبیری تا وزارت.....	۲۱
دیوان خاتم.....	۶۳
دیوان اشراف.....	۷۳
دیوان زمام.....	۸۵
دیوان سپاه (جیش).....	۹۳
دیوان عرض.....	۱۰۹
بیت‌المال و دیوان بیت‌المال.....	۱۱۹
اقطاع، سیورغال، تیول، ادرار.....	۱۴۹
حسبت و دایره احتساب.....	۲۱۳
جامگی.....	۳۰۷
نگاهی به عنوان امیرالمؤمنین.....	۳۱۹
جهنذ.....	۳۲۷
بُندار.....	۳۴۳
استاد الدار.....	۳۴۹
احداث.....	۳۶۱
اتاوه.....	۳۷۱
آکار.....	۳۷۷
الْجاء.....	۳۸۳

۳۱۵	وزیران
۳۸۷	برمکیان
۴۳۳	احمد بن ابی خالد احوّل
۴۳۹	ابراهیم بن ذکوانِ حَرَانی
۴۴۳	اسماعیل بن بلبل
۴۴۷	خانندان ابن خاقان
۴۶۵	حسن بن سهل
۴۷۷	حامد بن عَبّاس
۴۸۹	خانندان ابن جَرّاح
۵۱۳	خانندان ابن فُرّات
۵۴۳	مُهَلَّبِیان
۵۸۱	خصیبی
۵۹۱	ابوطاهر محمد بن بقیّه
۵۹۷	ابوالحسن مغربی
۶۰۳	آل ماکولا
۶۱۱	خانندان ابن جَهیر
۶۲۳	الافضل بن بَدْرُ الجَمالی
۶۳۳	ابوالحسن علی بن سَلّار
۶۳۷	الافضل کُتیبات
۶۴۱	ابوالقاسم علی بن طراد
۶۴۵	خانندان ابن صدقه
۶۵۳	علاءالدین عظاملک جُوینی
۶۶۳	شمس الدین محمد جُوینی
۶۷۱	جلال الدین محمد دوانی
۶۹۷	نمایه

پیشگفتار

یکی از مهمترین خصائص دستگاه اداری - سیاسی حکومت‌های قلمرو اسلام، مخصوصاً خلافت عباسی و فرمانروایان و سلسله‌های بزرگ در شرق اسلامی، وسعت و قوت و شوکت نظام دیوانسالاری و نهادهای آن است که با اقتدار و شکوه حکومتها نسبت مستقیم داشته است. اطلاق دستگاه اداری - سیاسی بر نظام دیوانسالاری از آن جهت است که کارگزاران بلندپایه دیوانی، مخصوصاً وزیران بزرگ، عملاً زمام امور حکومت و قلمرو آن را در سیاست داخلی و گاه روابط خارجی به دست داشتند و حتی بعضی از آنها فرماندهی عالی قوای نظامی در جنگ‌ها را نیز برعهده می‌گرفتند.

درباره اساس این نظام دیوانسالاری و دسته‌ای از وزیران نامدار در مقالات مجموعه حاضر سخن رانده‌ایم. نظامی که اصول و بنیادهای آن مبتنی بر دستگاه اداری و اجرایی ایرانیان پیش از اسلام بوده است و بعضی از نهادهای آن عیناً به عصر اسلامی منتقل شده است. ماجرای این نهادها - دیوان‌ها - که تا نیمه دوم قرن اول هجری، در عصر اموی، هنوز به دست ایرانیان بود و دفاتر و اسناد آن نیز به فارسی نوشته می‌شد، نشان می‌دهد که ایرانیان پرسابقه در حکومت و سیاست و دیوانسالاری، از آغاز اسلام نقش و اهمیتی بی‌همتا در شکل‌گیری نظام اداری و مالی آن قلمرو بزرگ، مخصوصاً در سرزمین‌های شرقی خلافت داشته‌اند. این نقش وقتی اهمیت بیشتری می‌یابد که دانسته شود براساس قرائن و شواهدی نخستین دیوانیان ایرانی از عصر اموی به بعد، از خاندانهای حکومت و دیوانسالار عصر ساسانی برخاسته بودند. در واقع سنت اداری و مالی عصر ساسانی به دست خاندانهای دیوانی ایران به دوره اسلامی راه یافت، چنانکه آداب ملکداری و سیاست و برخی دانشهای محض چون نجوم و پزشکی نیز عیناً همین حکم را داشت.

کتاب حاضر مجموعه‌ای است از مقالاتی که طی سال‌های دراز - از بیش از سی سال پیش - درباره دیوانسالاری ایرانی - برخی اصطلاحات و مناصب مهم دیوانی و بعضی از

مهمترین وزیران دستگاه خلافت و بعضی فرمانروایان دیگر - نوشته‌ام. مقصود از وزیران و دیوانیان ایرانی، هم اشخاص یا خاندانهای وزارت‌اند که اصلاً و نسباً ایرانی بوده‌اند و اکثریت این طبقه را در مجموعه حاضر تشکیل می‌دهند؛ و هم کسانی از عرب و غیرعرب‌اند که در دنیای ایرانی پرورش یافتند و پدرانشان از چند نسل پیشتر به ایران آمدند و سکنی گزیدند و با آداب و فرهنگ ایرانی برآمدند و بی‌گفتگو ایرانی به‌شمار می‌روند؛ مخصوصاً که دسته‌ای از آنها - مانند آل ماکولا - را محققان قدیم - ایرانی‌الاصل دانسته‌اند.

چون این مقالات هر یک تحقیقی مستقل بوده است و البته با فواصل زمانی بلند نوشته شده است، ممکن است مطلبی در دو مقاله به مناسبتی، اما با تعبیر و عبارات مختلف آمده باشد. نسبت این‌گونه موارد که البته اندک است، معمولاً اجمال و تفصیل است. از این‌رو ناگزیر و برای جلوگیری از خلل در ساختار مقاله و پیوستگی لفظی و معنوی اجزاء مقاله، این موارد ابقاء شد. به دنبال این مجموعه، امیدوارم مقالاتی را که درباره سلسله‌ها و فرمانروایان و خلفا و دولتمردان بزرگ نوشته‌ام نیز گرد آورم و در مجموعه‌ای دیگر تقدیم کنم.

سید صادق سجادی

بهار ۱۳۹۸ شمسی